

طیف و طبیعت پایان نامه های دانشگاهی
در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه

هدف این مقاله برای کمک به توده^۱ عظیم دانشجویان بویژه برای کسانی است که به نحوی با ادبیات فرانسه سروکار دارند. در این مقاله می توان پاسخهای لازم را درباره پرسشها و نیازهای مبهم و ششدری که این نوع اشخاص در دوره^۲ حساس پایان نامه نویسی برای خودشان و دیگران مطرح می سازند پیدا کرد. در همین جا باید گفت که در این مرحله مخصوصاً در دوره^۳ کارشناسی، داشتن تبحر لازم برای به ثمر نشاندن برنامه معینی مورد نظر نیست بلکه می خواهیم کوشش دانشجویان را در برابر استعداد ادبی و فرهنگی و درجه^۴ ذوق و به کار بستن روشهای مناسب بیازمائیم.

بدیهی است که زمینه های تحقیقاتی و علمی ایشان شامل موضوعات ادبی باید باشد و در اینگونه فعالیتها اراکله تمام نویسندگان و مآخذ و سئوالاتی از این دست ضرورت ندارد زیرا طیف فعالیتهای اینگونه دانشجویان عام و کلی است و نیازی به تخصص ندارد. به عبارت دیگر وضع آنان به مثابه کسی است که از کوه نسبتاً بلندی با لارفته و از بالای آن تماشاگر کل صحنه می باشد. مقاطع

*- عضو هیأت علمی گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز.

اندیشه آنها این دانشجویان شامل انواع، مکاتب، گرایشها و قوانین کلی آثار ادبی است و خود این امر، موضوع بفرنج و فریبنده ای است که به خاطر روشنگریهایی که در آن صورت میگیرد همیشه در حال تغییر و نوسان است. البته منظیور این نیست که نمیتوان میدان عمل را محدود و به خوبی توصیف کرد.

به طور کلی، مقالات ادبی عمومی و غیر تخصصی را میتوان هم به منزله دام و تله تصور کرد و هم کاری آسان و شکل پذیر، آسان بسودن آنها در این است که در این نوع مقالات به کندوکاو و هائی که در خور متخصصان هرفن است پرداخته نمیشود. هر کسی به میل خویش به هر نویسنده ای که بخواد میتواند بپردازد. بنا بر این ترسیمات و خط و نشان های اولیه میدان عمل در دست خود دانشجو است و نیازی به داده پردازیهای سهل و ممتنع نیست و اگر این نوع کوششها را به منزله دام و تله فرض کردیم دلیلش اینست که دانشجو در حالی که چیز قابل توجهی در اختیارش نیست میخواهد به کارش سرو سامان دهد. بدیهی است که با دست خالی و در خلا محض هم نمیتوان یک مقاله بدی ادبی را سرو صورت داد و درست در همین جا است که هر دانشجوی متفکر و کا رگشته میتواند با استخدا م آنچه که بخوبی یاد گرفته است کا خسی رفیع از اندیشه های خاص خود بسازد.

فایده این عمل در آنست که میتواند عناصر فقیر و کم مایه و غیر مسلح و فاقد مهارت و ظاهر سا ز را که با لفاظی و غلبه سرائی داد سخن میدهند و ندانسته های خودشان را به نمایش میگذارند، تشخیص داد و دانشجوی ناتوانی را که خود را مقاله نویس میدانند و فیلسوف نمائی را که در ادبیات راه گم کرده با شدیدا نویسنده ای را که جایگاه الفاظ و مناسبتها و مباحثهای آنها را با معانی مورد نظر هنوز نمیداند باز شناخت و در مجموع به ویژگیهای فکری هر دانشجویی برد و کاستیهایی گوناگون اندیشه او را به روشنی اندازه گرفت. خلاصه آنکه، اینگونه مقالات، شایستگیهای ویژه هر دانشجو را نشان میدهد و استادان

واقعی و مجرب و علاقمند به پیشرفت علم نیز به کشف خط‌های اصیل و فطری دانشجویان خودشان نائل می‌شوند.

وظیفه عمده هر استاد در کیفیت بهتر راهنمایی کردن دانشجویان است و تحقق این امر، جز با حمایت از وی و کارآموزی منسجم نیست. استاد خوب کسی است که دانشجویان را در منزلت نوآموزان تصور کند، مشکلات را بسنجد، مساعیان را دنبال کند، علل ناکامیها را توضیح دهد، انتقادات شاگردانش را پذیرا باشد و نمونه کار موفق را به روشنی مقابل چشمان دانشجویان خویش بگذارد. درآموزشهای ادبی غالباً اصلتها و ارزشها فدای ظاهرها و زیباییها و خودنماییها می‌شود و استاد خوب کسی است که جلوی کاکاریها را بگیرد و شرافت و درستی در کار راضا بطنه تحقیق و ابداع قرار دهد.

در این مقاله اندرزهای کلی درباره فن نویسندگی بویژه الزامات پایان نامه نویسی را مشخص خواهیم کرد و خطراتی را که در کمین مقالات ادبی است گوشزد خواهیم نمود تا آماجگاههای لازم را در دانشجویان دکنیم؛ فعالیت فکری و تشدید نمائیم و بر توان اندیشه انتقادی او بیفزائیم. مسلماً "قصد ما ارائه، یک نظریه علمی نیست بلکه می‌خواهیم روح تقلید از شیوه‌هایی را که نشان خواهیم داد و همچنین میل به بحث را در دانشجویان تقویت نمائیم. نمونه‌های پیشنهادی، ناظر بر رویدادهای معاصر در ادبیات فرانسه خواهد بود و در این کار به هیچوجه قصد بی‌اعتبار کردن آثار گذشتگان را نداریم. این مقاله دانشجویانی را که مستقلاً کار می‌کنند و همین طور استادانی را که در این زمینه‌ها نظرات و انتقاداتی می‌توانند داشته باشند یاری خواهد نمود و بطور موثر در تکوین تحقیقات ادبی آنان مخصوصاً دانشجویانی که در آخرین مرحله تحصیلات رسمی خود هستند دخالت خواهد نمود و طبقه جوان تحصیل کرده را که فقط به گرفتن نمره‌های خوب آنهم از راه مشابه سازی اهتمام می‌ورزند از این کار باز خواهد داشت، چرا که صرف تقلید از نمونه‌های هرچند

ارزشمند مانع حرکت منطقی و خلعان ذهن و شکوفایی استعداد دانشجویان که در تلازم پختگی مستمر فرهنگ ادبی است خواهد بود. باید به خاطر داشت که پایان نامه ما نند هر نوع مقاله ادبی و علمی دیگر مستلزم آنست که آگای هیهای فنی را باید قبلاً "به دست آورد" این امر جز به مدد تناب پذیری در تمرینات عملی و بررسی الگوهای نظری امکان حاصل پیدا نمی کند. وانگهی در تعلیم و تربیت معاصر، رشد و قیامت هر فرد بیش از اکتسابات ذهنی و رسمی او مورد نظر است به گونه ای که نوشته یک فرد هرگز تک بعدی نیست بلکه آمیخته ای از فلسفه و ادبیات و هنر و فن نویسنده و مکاشفات تاریخی و خلاصه آن چیزی است که عنوان مقاله نویسی ادبی کلی را برای خود می پذیرد. در این مقاله و در مقالات آینده به دانشجویان داده می شود که چگونه از منابع کتابشناسی در تهیه مواد لازم سود جوید و کدام کتابها را مطمح نظر و نقد خویش قرار دهد و پس از آنکه مطالبی را از درون کتابها پیدا کرد آنها را ساده و کوتاه بنویسد، نا گفته پیداست که غرض اصلی ما نوشتن تاریخ ادبیات نیست بلکه انجام تمریناتی است که دانشجویان با فن تحقیق آشنا کنند چرا که مقاله نویسی بیش از توجه به اصلتها، به تکنیک مطمئن تکیه دارد که مشوب و آلوده به اغراض شخصی نباشد. روشنتر اگر بگوئیم، غرض ما در این است که به دانشجویان تفهیم نمائیم که پایان نامه نویسی همسوئی با مطالب گنگ و دوپهلوندار و اگر بای بنداصول باشیم، می توانیم به تصریحاتی برسیم که ما را در ادامه نیات و مقاصد یاری دهد.

دانشجو وقتی که دست به تهیه مقاله ادبی در یک موضوع کلی و غیر تخصصی می زند معمولاً "احساس نوعی از ترس و تذبذب در او ظاهر می شود دلیل ظهور این احساس این است که او غالباً "نمی داند اشکال کار در کجا است و این دشواری را به مبهم بودن عنوان تحقیق نسبت می دهد. به عنوان مثال اگر کار تحقیقاتی او در زمینه "این عقیده ارنست رنان باشد که " ستایش واقعی از یک اثر در تاریخ بودن

آنست^۱... "به درستی نمی‌تواند احساس کند که در ورای این کلمات معدود کنگ یک مسئله انتقادی بزرگ خودنمایی می‌کند (آیا تحسین از یک اثر بدون اطلاع از مختصات زمانی و مکانی محیطی که آنرا بسه وجود آورده است امکان پذیر است؟) دانشجوی حتی کمتر احساس خواهد کرد که این عقیده رنان منبعث از فلسفه علم گرا^۲ است که سسده نوزدهم را بخود مشغول گردانیده بود. در نتیجه بی سلاح به میسندان اندیشه قدم خواهد گذاشت و نخواهد دانست با چه کسی و با چه چیزی بحث را آغاز کند. او باید بدانند که انتخاب یک موضوع ادبی به صورت کلی و انجام تحقیق درباره آن دشوار است چرا که موضوعاتی چنین عام و کلی همیشه مبهم هستند و است که باید در این تاریکیا به دنبال روشنائیها و روشنگریها برود و چنین کاری مطلقا "در تخیلات صرف نمی‌تواند یا بگیرد و ریشه بدواند. در نتیجه هر دانهشجو و هر نوآموزی که قصد چنین تحقیقی را در سر بیرون اندازم است که قبلا "خود را به سلاح علم مجهز کند و برای این کار، هرگز نشاید که مطالبی موجز و مختصر که به کل ادبیات پیوند می‌خورند ملاک عمل قرار گیرند و اطلاعاتی نا چیز درباره نویسندگان مهم و آثار مشهور به عنوان نقطه شروع تحقیق در نظر گرفته شوند. برعکس، باید شناختی جامع از مسائل بزرگ و راه حل‌های آنها را در کل ادبیات بدانند. اساسا "دانشجو هر قدر هم مستعد و کارآمد باشد نمی‌تواند سئوالات ادبی و پاسخهای آنها را خودش ابداع کند و اگر مشعلی فروزان از علم و آگاهی سیزانندیشه او را روشن نسازد فقط به حیل و حلیت تنسیق مناسب مطالب می‌تواند مقاله‌ای ظاهرا عالی و ظریف اما کاملا شخصی و غیر مستند تهیه کند که غالباً "تفسیری است مفلوک، و مغلوط و نابجا .

علت دیگر این نوع کج رویها در این است که غالباً " بسه دانشجویان توصیه می‌شود که در نوشته‌های خودشان صمیمی و مستقل الفکر

۱- "La vraie admiration est historique."

۲- Scientisme.

باشند و آنان نیز برای به‌کار بستن این اندرزهای گمراه‌کننده، نظراتی خام و بی‌محتوا را که مستمسک ادبی و جنبش‌تاریخی صحت آنها را تأیید نمی‌کند به حرکت آزاد قلم می‌سپارند و چنین نطفه‌های بی‌شکل که کوچکترین تجانسی با تحقیق ادبی را ندارند موجباً تی‌رافراهم می‌سازند که اهما م و انرژی به‌کار رفته فاقد ارزش و اعتبار گردد و دانشجو نیز متقابلاً "به‌بی‌اعتبار بودن اندرزهای از این نوع پی‌برد و در نتیجه از انجام هرکار ادبی مایوس شود یا بدتر از آن نسبت به امکان انجام چنین کارهایی ابراز تردید نماید.

پس کار درست اینست که به دانشجو فهمانده شود که تهیه یک مقاله و نوشتن یک پایان‌نامه مثل انجام هرکار دیگری ابتداءً به‌یادگیری فن و اصول مناسب نیاز دارد و تصور شخصی که منبعث از پارامترهای لازم نباشد هیچگونه ارزش علمی نخواهد داشت زیرا که در درون یک مقاله، نیروی استدلال و ظرافت مطالب و غنای اشارات ملموس و قابل درک می‌توانند آنرا معتبر و مستند نشان دهند. بنا بر این و به تعبیر بهتر پایان‌نامه به منزله پایان‌کاری است که قسمت اعظم آن قبلاً "یا دگر گرفته شده است.

برای رسیدن به این مقصود چهار اصل زیرباید همیشه مسورود توجه قرا رگیرد:

- ۱- آشنائی با مسائل و جنبشهای مهم ادبی.
 - ۲- قدرت استدلال و تحلیل در هر یک از رویدادها.
 - ۳- حفظ جهت یا بی‌موضوع.
 - ۴- گسترش مداوم و پی‌گیر مطالب اصلی.
- گاهی دانشجو یا هنر نویسنده جوان دیگر به‌سائقه عادت‌سبی نا‌هنجار به‌هنگام مواجه شدن با یک موضوع، به‌آن حالت هنسری یا اخلاقی می‌دهد و به‌جای اینکه دنبال تحقیق برود یک فضیلت اخلاقی یا ارزش هنری را که قابل انطباق یا هر موضوعی می‌تواند باشد شرح و بسط می‌دهد و درست از همین نقطه انحراف، خط اصلی کنا ر گذاشته

می‌شود و اندیشه^{۱۶} و در یک خط فرعی به راه می‌افتد .
اطلاعاتی که از یک دانشجوی دوره^{۱۷} کا رشناسی خواسته می‌شود به هر حال بی‌پایان نیست برای اینکه موضوعات کلی زیباشناسی ادبی به نحوی با قوانین هنر و ادب و انواع ادبی و با ویژگیهای مطالب و نظریه‌های بزرگ در ارتباط است و به همین مناسبت می‌توان گستره^{۱۸} مطالب را به مدد اندیشه صحیح ترسیم کرد . اما باید توجه داشت که در هر موضوع کلی نیز مولفه‌هایی وجود دارد که به دقت و وسواس علمی باید آنها را جست و آزمون . فی‌المثل کسی که از زیپوندهای اخلاق و هنر غافل باشد نمی‌تواند این سخن آندره ژید را به خوبی درک کند : " با احساسات زیبا ادبیات نا زیبا درست می‌شود ^{۱۹} " اگر حدث این مسئله به گونه‌ای که برای هنرمندان بزرگ مطرح است درک نشود نمی‌توان به معنی درست " احساسات زیبا " پی برد . پس باید قبلاً " در باره^{۲۰} این موضوعات اندیشید و پاسخهایی را که در این زمینه به وسیله نویسندگان بزرگ داده شده است مطالعه کرد . البته نباید از نظر دور داشت که در این مورد موضوعات زیادی مطرح است که بیشتر از خود اثر به شرایط تکوین آن مربوط می‌شود و به طور کلی همیشه این سخن معتبر است که : در چه شرایط می‌توان به خلق یک اثر ادبی ارزشمند مبادرت کرد ؟ هدف نویسنده در نوشتن اثرش چه بوده است ؟ آیا مورد نظرش هنر است یا هدفی که با هنر بیگانه است ؟ از حقیقت ملموس عصر خویش تا چه حد بهره گرفته است ؟ اصلاً نویسنده زندگی شخصی خویش را چگونه سپری کرده است ؟ اثر او به‌جا معه معا صرش تا چه حد مدیون است ؟
موضوعات دیگر نیز هست که تخصص بیشتر می‌طلبد مانند این موضوع که نویسندگان زمان نئیک بیشتر مطرح ساخته‌اند : آیا هنر می‌تواند آئینه زندگی شود ؟ و برخی دیگر از مقولات را جمع به انواع

1- " C'est avec de beaux sentiments qu'on fait de la mauvaise littérature."

ادبی و پیوندهائی که این انواع با یکدیگر دارند مثلاً "سوالی از این قبیل: طبیعت تأثر چیست؟ ارتباط تراژدی و کمدی چگونه است؟ فرق تأثر و رمان در چه چیز آنهاست؟ اینگونه موضوعات گرچه زیاد است ولی بهر صورت خارج از حد و حصر نیست و هر دانا نشجو با ید اطلاعاً در باره هر موضوع کلی داشته باشد.

نکته دیگر اینکه منظور اصلی در تدوین یک رساله علمی، پرداختن به موضوعات مبتذل نیست و بطوری که بعداً "شرح خواهیم داد و ویژگی هر موضوع را که آنرا از موضوعات دیگر مجزا و ممتاز می‌کنند نشان خواهیم داد و به روشنی توضیح خواهیم داد که هر موضوع کلی در واقع نقل قولی از خود نویسنده مورد نظر است و مسائل دیگر را نباید با آن مخلوط کرد. همچنین یادآوری می‌کنیم که اگر به دانا نشجو فهماننده شود که برای تحقیق در هر موضوع تازه‌ای باید اندیشه‌های جدیدی جستجو کند نتیجه‌ای جز مایوس کردن او از کار حاصل نخواهد شد. به جای گمراه کردن او بسیار شایسته است که به او تلقین شود که تلقی هر کس از هر موضوعی می‌تواند منشا بحث دیگری باشد که آنرا از بحث‌های دیگر در باره همان موضوع که به مناسبت‌های مختلفی بیان شده است متمایز می‌سازد و نمونه‌هایی از این شیوه را نشان خواهیم داد و در نتیجه معلوم خواهد شد که با استمداد از یک تکنیک خوب می‌توان به خوبی این مقصود را به تحقق رسانید. این تکنیک بر محور سه اصل می‌چرخد:

۱- استدلال بر مبنای روایات و رویدادها

۲- حفظ جهت یا بی‌بیها

۳- رعایت حرکت منطقی در مقاله

استدلال در روایات و رویدادها بیش از هر چیز دیگر به حیرت و تردید دانا نشجو منتهی می‌شود زیرا هر موضوع کلی در بادی نظریه دانا نشجو این امکان را فراهم می‌سازد که آزادانه به استدلال‌های مجرد و بحث‌های نظری بپردازد در صورتی که مقاله ادبی با یک مقاله فلسفی بالکل فرق ماهوی زیاد دارد چرا که در بحث‌های فلسفی، استدلال روی مجردات است در حالی که در مقاله ادبی توجه به واقعیات و مطالب ملموس

است. البته نباید فراموش کرد که گاهی مقالاتی که درباره مسائل زیبایی‌شناسی ادبی بحث می‌کنند بحث آنها کاملاً "رنگ نظری" به خود می‌گیرد ولی داور در مورد آنها چندان آسان نیست برای اینکه با ضوابط ادبی سازگاری ندارند و در این صورت، قبل از اینکه این گونه مسائل ادبی از دیدگاه نظری مورد تفسیر و توضیح قرار گیرند خود مقاله‌نویس باید از خودش کاملاً مطمئن باشد. به عنوان مثال ژالری در مقالات خود که مسائل زیبایی‌شناسی را مطرح می‌سازد صفحات متعددی را صرف این کار می‌کند بدون اینکه به ذکر مثالی مبادرت ورزد. کاموسا رترینیز مسائل ادبی را به شیوه کاملاً "تجربیدی" به میان می‌کشد. البته اینها نویسندگان توانمند هستند و خصلت نبوغ اینها را نمی‌توان به دیگران مخصوصاً "به دانشجویان تعمیم داد. نتیجه آنکه، بطور کلی این گونه مقالات را هر چند هم به غنای کارواندیشه آدمی کمک کنند نباید در نگارش موضوعات ادبی الگو گرفت. نکته دیگر آنکه هر نوع استدلال که همراه با مثال باشد بیش از استدلال نظری با زندگی واقعی و ملموس جوش می‌خورد و از این راه التزام و تعهدی ظهور می‌کند که اصطلاحاً "تعهد ادبی" خوانده می‌شود. پس نتیجه‌گیری فوری از کل این بحث چنین است که از همان ابتدا باید با حقایق ملموس کار را شروع کرد و از طرح مسائلی که بافته ملموسات و زندگی‌های موجود در دنیای خارج نباشد احتراز نمود.

باید توجه داشت که با مفهوم جمله‌ای که از قلم کورنسی می‌تراود بهیچوجه همسنگ آن چیزی نیست که از خا مه ولت ریاهریک از نویسندگان رمانتیک می‌چکد و به همین مناسبت در مثالها بی‌گانه خواهیم آورد سعی کافی به کار خواهد رفت تا قبل از هر چیز دیگر مقام تاریخی عبارتی از یک نویسنده را به قصد تفسیر مشخص کنیم. وقتیکه به دانشجو توصیه می‌شود استدلال خویش را بروا قعیات متکی نمایند منظور این است که واقعیات تاریخ ادبی را مطرح نظر خویش قرار دهد. موضوعی که به دانشجو داده می‌شود اگر مفهوم تحقیق و استنباط عملی برای او خوب القاء نشود این خطر را در پی خواهد داشت که اطلاعات

خود را بر اساس آنچه که می‌دانند و از نشریات گوناگون به دست آورده است در شرح مطلب به‌کاربرد. به‌عنوان مثال در شرح جمله‌ای که در مقدمه این مقاله از رنان آورده‌ایم: "ستایش واقعی از یک اشرور تا ریخی بودن آنست" لازم نیست هرچه که در تاریخ ادبیات از رنان می‌دانیم آنرا بازنویسی کنیم حتی هرچه را که درباره مکتب‌تحصلی (Postivisme) قرن نوزدهم می‌دانیم ذکر کنیم، برعکس باید آنچه را که به روشن شدن موضوع کمک می‌کند یا بعبارت دیگر چیزی را که به یک سخن نظری مبهم، دلالت صحیح و روشن ببخشد یعنی دلالتی که به هنگام آغاز اشاعت آن ادراک می‌شد در استدالات خودمان به‌کارگیریم. همچنین در اثنای شرح موضوع به انباشتن مثالهای متعدد نپردازیم، بلکه مثالی بیاوریم که در استفاده اندیشه‌مان باشد. گاهی اتفاق می‌افتد که عده زیادی از دانشجویان به تصور آنکه باید به استدلال در واقعیات متوسل شد فقط به ردیف کردن مثالها قناعت می‌کنند بدون اینکه استدلالی در پیوند کردن آنها بکنند. با زلزم بذکر است که مقاله نباید کلاً "از زوج اندیشه و مثال انباشته شود بلکه هر مثال برای تحلیل یک فکر نظری به‌کار رود. منظور ما از تحلیل مثال دراز کردن آن یا آوردن عناصر مختلفش در نوشته خودمان نیست بلکه در هر مثال باید به آن قسمت تکیه کرده در تاریخ فکرموثر است. مثلاً" اگر موضوع یک پایان نامه در اثبات این مطلب است که: مکتب کلاسیک هنر ایجاز است، هرگز کافی نخواهد بود که ابیاتی از راسین را ذکر کنیم به‌تصور اینکه عبارات موجز آن مطالب زیادی را به ما تلقین می‌کنند، بلکه باید به دنبال بهترین آنها که الهام بخش باشد برویم.

مرحله دیگر رعایت خط و احد در حرکت اندیشه است. در واقع پایان نامه عیناً "مثل دنیای مادی ما است که در آن چیزی آزاد نیست بلکه هر چیز در بند و قید کلکایناست. اگر مهره‌ای در یک زمینه به‌کار نرود زوداً زگردونه خارج می‌شود و خود مختاری در آن اشتباه

بزرگی است. اگر فی المثل بخواهیم مقاله‌ای درباره "احساس روس نسبت به طبیعت" بنویسیم می‌توانیم این احساس را شرح و توضیح کنیم ولی بهتر آنست که کل مقال را در گرویک موضع‌گیری خاص قرار دهیم. مثلاً "این پرسش را مطرح سازیم که آیا در نظر روسو، طبیعت همان تابش دائمی حالت روحی این نویسنده نیست؟ در نتیجه با توجه به اینکه، ضرورت جهت‌یابی همواره پاسخگوی قانون نوع ادبی است، همیشه با ید مسئله‌ای را مطرح ساخت. درباره آن بحث کرد و بالاخره راه‌حل مناسبی را ارائه نمود. مسلماً نمی‌توان تنها به توصیف یا حکایت چیزی بسنده کرد، بلکه همه نوشته‌ها از سر تا پا باید مستند باشد و هر مطلبی به اثبات مدعی به یا به نفعی یک مقوله ذهنی، به شرح یا پررنگ کردن گفته‌های قبلی به کار رود و هر شرحی که میدهیم به مسئله مطروحه بپیوندد، پیوندی محکم و ملموس و غیر قابل انکار.

و با زبانه‌ها دداشته باشیم که منظور از مستند بودن متن عبارت از این نیست که پیوندهای مصنوعی و لویا مهارت‌های ادبی ایجاد کنیم چرا که این گونه پیوندها ساختگی است و نقشی جز قلب ماهیت ندارند. پس نتیجه این گفتار آنست که هر شرح و تفصیلی که با طرح کلی مقاله پیوندی محکم نداشته باشد و بطور مستقل خودنمایی کند، چیزی را اثبات یا نفعی کند و در تار و پود فکر اصلی به رنگ آمیزیهای روشن و دلچسب نیا نجا مدج‌زهر هم زدن وحدت فکر اصلی نخواهد داشت.